



دکتر هودا اکبریاده علم و حدیث علمی دانشگاه

زنجیره زرین هدایت

با توجه به روایت سلسله الذهب می‌خواهیم بدانیم جایگاه امام هشتم^(ع) در عالم خلقت کجاست، همان‌طور که در زیارت جامعه کبیره آمده است و خوانده ایم، می‌دانیم که اهل بیت^(ع) همه نور واحد هستند، اما هر کدام این بزرگواران در زمانهٔ خودشان دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. درباره جایگاه امام‌رضا^(ع) همه درباره سفر ایشان از مدینه به‌مر و^(ک) که پس از شهادت ایشان به‌مشهد شناخته شد^(د) می‌دانیم که ایشان در نیشابور حدیثی را که به سلسله الذهب مشهور شده است نقل می‌کنند. شیخ صدوق در کتاب التوحید چنین نقل کرده است که اسحاق بن راهویه می‌گوید: وقتی امام رضا^(ع) در سفر به خراسان به نیشابور رسید، پس از آنکه اراده کرد به‌سوی مأمن کوچ کند، محدّثان که تعداد آن‌ها حدود چهار هزار نفر بوده است، جمع شدند و عرض کردند: ای پسر پیغمبر^(ص) از شهر ما تشریف می‌بری و برای استفاده ما حدیثی بیان نمی‌فرمایی؟ پس از این تقاضا، حضرت سرش را از کجاوه بیرون آورد و فرمود: «شنیدم از پدرم موسی بن جعفر^(ع) که فرمود شنیدم از پدرم جعفر بن محمد^(ع) که فرمود شنیدم از پدرم محمد بن علی^(ع) که فرمود شنیدم از پدرم علی بن الحسین^(ع) که فرمود شنیدم از پدرم حسین بن علی^(ع) که فرمود شنیدم از پدرم علی بن ابی طالب^(ع) که فرمود شنیدم از رسول خدا^(ص) که فرمود شنیدم از جبرئیل که گفت شنیدم از پروردگار عَزَّوَجَلَّ فرمود: «**کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، دژ و حصار من است. پس هر کس داخل دژ و حصار من شود، از عذاب من ایمن خواهد بود.**» پس هنگامی که مَرَب حضرت حرکت کرد با صدای بلند فرمود: «**بشروطها وانا من شروطها،** (بашروط آن و من خود یکی از آن شروط می‌باشم) همان‌طور که گفتیم همه ما کم و بیش این حدیث را شنیده‌ایم؛ اما من می‌خواهم در ادامه نکاتی را که شاید کمتر شنیده‌اید، ذکر کنم. همان‌طور که ذکر شد این حدیث معروف به حدیث سلسله الذهب [یعنی زنجیرهٔ زرین] است. این نام‌گذاری به‌این دلیل است که افراد حاضر در سند حدیث، همگی انسان کامل‌واز مصومین هستند و با بیان این نکته به اهمیت راویان این روایت اشاره می‌کنند.

ایشان می‌فرمایند: هر کسی که به‌خدا ایمان داشته باشد و دست‌یابی به غیر خدا نداشته باشد، داخل دژی می‌شود که در آن از خشم من در امان است. سپس ایشان حرکت می‌کنند و بعد باز می‌گردند و می‌گویند که این شرطی دارد و شرط آن من هستم. در تفسیرهایی که آمده است این «انا من شروطها»، را گفته‌اند که یعنی امامت و ما روایاتی هم داریم که این تفسیر را تأیید و تقویت می‌کند و درست هم هست، یعنی اصول دین منوط به امامت است و اگر می‌خواهی مؤمن حقیقی باشی باید که راهنما و دلیل راه یعنی امام باشد تا بتوانی موارد دیگر را درک کنی و بفهمی، اما آن‌طور که من حقیر فهم کرده‌ام، شخص امام رضا^(ع) نیز در این روایت موضوعیت دارند. به این خاطر که ایشان واژه «انا، راه‌کار برده‌اند و ما می‌دانیم معصوم دقیق و به‌دور از اغراق سخن می‌گوید. اگر ایشان واژه «انا، راه‌کار می‌برند، یعنی شناخت ایشان، درک مقام و جایگاه ایشان در بحث توحید موضوعیت دارد. در زیارت‌نامه ایشان برای هر امامی واژه قائم به‌کار رفته است. گویی هر امامی بیادارندهٔ دین خدا و قیام‌کننده عدالت و شوراننده اُمت علیه ظلم در زمانهٔ خویش است. چون باعث می‌شود دودوتا چهارتای زمانه خودش، عقل‌ظاهری زمانه خودش به‌هم بریزد و اسلام حقیقی را در برابر دین ظاهری عرضه کند، اما درباره ایشان یک امامت خاصه داریم. وقتی می‌گویند «انا من شروطها»؛ یعنی اگر من راشناختی و درک کردی به‌دژ مستحکم توحید وارد شده‌ای و در امان هستی. دقت بفرمایید تا پیش از دوران امامت ایشان، ما اشخاصی داریم که‌سه امامی هستند، چهار امامی هستند و... اما پس از ایشان هرکس امامت را پذیرفته، هرکس ایشان را پذیرفته، دوازده امامی شده است. گویی که با زبان الکن من ایشان حلقه‌ای هستند در این میانه که آمده‌اند باور به پروردگار و توحید را به‌زمان‌های پس از خودشان تا ما که در عصر غیبت هستیم وصل کنند. انگار که من و شماپی که در عصر غیبت هستیم، اگر به‌استان ایشان وارد نشویم و ایشان را نشناسیم در باورهایمان، در توحیدمان، توحید نظری و عملی، دچار خدشه خواهیم شد و به‌آن دژ مستحکم وارد نخواهیم شد. این نکته‌ای است که‌من شیعهٔ امام رضا^(ع) باید بدانم که چه جایگاهی دارم و به‌عنوان محبٔ امام رضا^(ع) ایشان را و سپس خودمان را بهتر بشناسیم.

منبری در بهشت

آشنایی با زمینی‌که منبر پیامبر(ص) بر روی آن قرار داشت

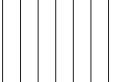
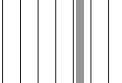


منبر یادگار پیامبر اسلام و فراگیرترین رسانه برای روشنگری و بصیرت افزایی برای مسلمین بوده‌است. یکی از مکان‌های مقدس و قابل احترام در مسجد النبی^(ص)، محل منبر رسول خدا^(ص) است. پیامبر اکرم^(ص) ابتدا وبه‌هنگام سخنرانی در مسجد مدینه به‌نیم تنه‌ای از درخت خرما تکیه می‌داد و به ایراد سخن می‌پرداخت. سپس منبری برای ایشان ساخته شد. (در اینکه چه‌کسی منبر را برای پیامبر^(ص) ساخته‌است، اختلاف است.) در برخی دیگر از نقل‌ها آمده‌است که پیش

از آن، سگویی از گل ساخته بودند که محمد روی آن می‌نشست و تنها در سال هفتم هجری قمری بود که پیامبر اسلام روی منبری چوبین می‌نشست. پس از ساخت منبر، پیامبر^(ص) آمد و روی آن ایستاد و فرمود: این منبر من در کنار جویباری از جویبارهای بهشت قرار دارد و پایه‌هایش در بهشت استوار است و فرمود: منبر من کنار حوض من قرار خواهد داشت و فرمود: میان منبر و خانه من باغی از باغ‌های بهشت است. از ام سلمه، همسر گرامی پیامبر^(ص)، روایت شده‌است که پیامبر می‌فرمود: پایه‌های منبرم در بهشت هم، بر افراشته است، یاد بهشت استوار است. پیامبر^(ص) (دستور داده بود مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی، کنار منبر انجام شود و می‌فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغی بخورد، هر چند برای یک چوبه مسواک باشد، جایگاه او در آتش خواهد بود. این منبر سه پله‌ای تا زمان حکومت معاویه بن ابوسفیان استفاده شد. معاویه برای کسب وجهه و حق جلوه دادن خود، خواست تا منبر پیامبر را از مدینه به‌دمشق ببرد، اما مردم مدینه دست به اعتراض زدند و از این کار ممانعت کردند. بعدها نجاری، شش پله بر همان منبر ساخت که مجموعاً ۹ پله شد. این منبر بر اثر گذشت زمان از میان رفت و قسمتی از آن در قرن ششم قمری به‌عنوان تبرک استفاده می‌شد. سال ۶۵۴ هجری قمری مسجد النبی آتش گرفت و منبر سوخت. نوشته‌اند که سوخته منبر را در محلی که منبر فعلی قرار دارد، دفن کردند. سال ۶۶۴ هجری قمری منبر جدیدی توسط حاکم مملوکی مصر، بیبرس، برای مسجد نبوی فرستاده شد. پس از آن سال ۷۹۶ هجری قمری منبری دیگر و سپس سال ۸۲۰ هجری قمری باز هم منبر دیگری نصب شد که در آتش سوزی سال ۸۸۶ هجری قمری از میان رفت. قایم‌تایی، حاکم مصری، سال ۸۸۹ منبری فرستاد که آن نیز سال ۹۹۸ با منبری که سلطان مراد یکم عثمانی فرستاد و تا به امروز باقی مانده، عوض شد. این منبر یکی از آثار ارزشمند هنری است.



شاهرانوزس.یر



ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

سوره انبیا آیه ۱۰۷

ترجمه آیت ا... مکارم شیرازی

حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی در گفت وگو با شهرآرا

سیره پیامبر اکرم (ص) از نگاه امام رضا(ع)

مرور سخنان امام رضا^(ع)

درباره پیامبر^(ص) و اهتمام آن حضرت^(ع) در عمل به سیره جدشان، از بهترین راه‌های درک رحمة اللعالمین بودن نبی خاتم^(ص) است؛ مسئله‌ای که در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین «سید محمد باقر علم الهدی»، کارشناس معارف و مدیر حوزه علمیه قاسم‌بن الحسن^(ع) بررسی شده است و مشروح آن در ادامه می‌آید:

● امام رضا^(ع) به عنوان هشتمین وصی پیامبر^(ص)، چه تلاش‌هایی برای تبیین سیره نبوی^(ص) انجام داده‌اند؟

از مهم‌ترین رسالت‌های اهل بیت^(ع)، رمزگشایی از بیانات قرآن و پیامبر^(ص) است که برای آن تلاش بلیغ داشته‌اند تا اسرار وحی و سخنان نبی^(ص) را که تالی‌تو قرآن است، تبیین و راه سعادت‌بشرا را بین‌هنگذر هموارشود، وجود مقدس امام رضا^(ع) از چهره‌های ماندگاری هستند که در ترویج سیره نبوی^(ص) بسیار کوشیده‌اند؛ امام رضا^(ع) فرمودند: مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش، اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است، اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم رفتاری با مردم است، اما سنت امامش صبر کردن در زمان تنگدستی و پوریشان حالی است. این سخن حضرت رضا^(ع) نشان می‌دهد پیامبر^(ص) با مردم اهل مدارا بوده است و با آن‌ها نشست و برخاست کرده و شریک غم آن‌ها بوده‌است؛ مدارا یعنی انسان خود را در حد دیگران قرار داده و با آن‌ها زندگی کند، اینکه پیامبر^(ص) بر خاک می‌نشستند و در بازارها راه‌می‌رفتند و با غلامان غذای خودند از جلوه‌های همین مدارا با مردم بوده است.

● حضرت ثامن الحجج^(ع) خود چقدر در عمل به این سنت نبوی^(ص) اهتمام داشتند و می‌کوشیدند با مردم مدارا کنند؟

امام رضا^(ع) در پذیرش اجباری ولایت‌عهدی چند

شرط را برای مأمن بیان کردند و فرمودند: یکی آنکه من را در کاخ خود سکنی ندهی و منزلی بیرون از کاخ برای من مهیا کنی تا در خانه‌م، به‌روی مردم باز باشد.

ایشان در نامه به امام جواد^(ع) نوشتند: به‌من خبر رسیده‌که غلامان و خادمان بیت‌هرگاه سوار بر مرکب می‌شوی تا از خانه بیرون بروی تو را در کوچک‌خانه بیرون می‌برند، این عمل ریشه در بخل آنان دارد تا از جانب تو به‌احدی خیر نرسد. از تو می‌خواهم به‌حقی‌که به‌عنوان پدر و امام بر تو دارم، رفت‌وآمدت جز از در بزرگ خانه نباشد، وقتی سوار می‌شوی درهم و دینار همراهت باشد، احدی به‌تو عرض حاجت نکند جز اینکه به‌او عطا کنی...

این رفتار و سلوک و توصیه‌ها به جواد الائمه^(ع) همگی ریشه در مدارا با مردم دارد. اخلاقی‌که حضرت رضا^(ع) از جدشان رسول خدا^(ص) به‌ارث برده‌اند.

● چه جلوه‌های دیگری از سیره نبوی^(ص) در سبک زندگی امام رضا^(ع) تبار و تجلی داشته است؟

مهم‌ترین شاخصه حیات امام رضا^(ع) چهره دوران ولایت‌عهدی و چه قبل از آن، رسیدگی به مردم بوده است. اینکه ایشان فرمودند: هر کسی که مشکلی از زندگی کسی باز کند خدا همه مشکلات او را در دنیا و آخرت بازمی‌کند، حکایت از عمق ارادت و محبت به مردم دارد و وقتی امام^(ع) در مدینه بودند همه از الطاف ایشان بهره‌مند می‌شدند. قه‌قبری به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر آنکه ایشان او را بی‌نیازی می‌کردند همچون امیرالمؤمنین^(ع) که همه فقرای مدینه را می‌شناختند، بعد از هجرت به‌مر و نیز چنین بودند و در خانه ایشان از صبحگاهان تا پاسای از شب به‌روی مردم باز بود. این رفتار امام رضا^(ع)

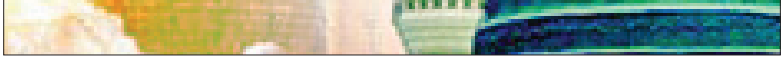
به‌قدری در دل مردم تأثیر گذاشت که مأمون از حضور ایشان در کنار کاخ خود احساس خطر کرد!

در جریان اقامه نماز عید فطر، نیز ایشان فرمودند: من به‌شیوه جدم رسول خدا^(ص) عمل می‌کنم. پس با برهنه به سمت بیابان حرکت کردند در حالی که شور عمومی مردم را فرا گرفته بود، وقتی مأمون آن شکوه و دلدادگی را دید، متوجه شد امام رضا^(ع)

بنده، باخوش اخلاقی به‌مقام روزه‌گیر شب‌زنده‌دار می‌رسد.

پیامبر اکرم^(ص)

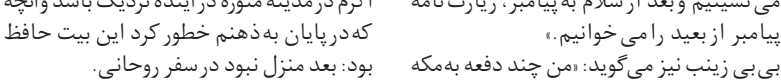
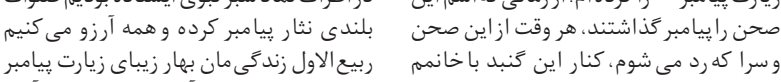
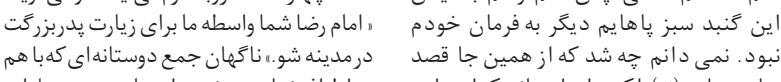
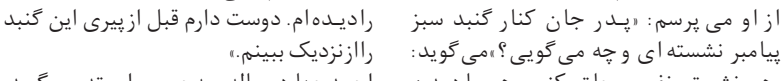
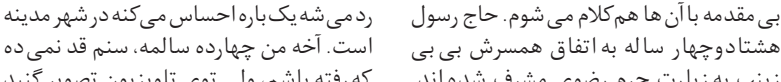
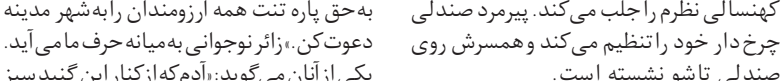
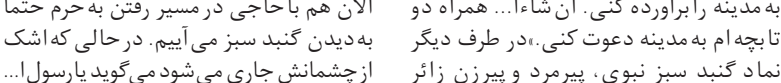
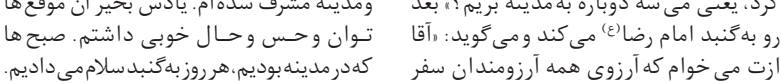
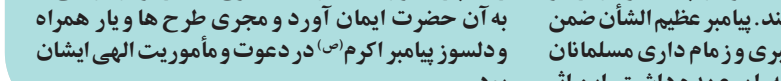
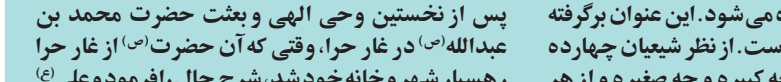
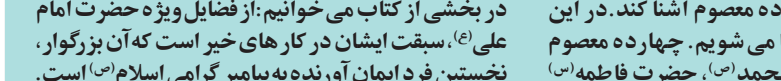
بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۷۳



تشکیل می‌داد. اما حضرت ثامن الائمه^(ع) به‌عنوان عالم آل محمد^(ص) به‌قدری مباحث را عمیق بیان می‌کردند که ابهامی باقی نمی‌ماند.

● امام رضا^(ع) در کار عمل به سیره پیامبر^(ص)، چه اوصافی از جد خود برای مردم تبیین و از این طریق جامعه را هدایت می‌کردند؟

از حضرت ثامن الحجج^(ع) نقل است که برترین خلق نزد پیامبر^(ص) آنان بودند که بیشتر اهل عَمَخواری برای دیگران هستند و نیز فرمودند: پیامبر^(ص) جز در زمان نیاز سخن نمی‌گفتند، سخن کسی را قطع نمی‌کردند. در حق کوه‌تاهی و از آن تجاوز نمی‌کردند، کلامشان متین بود. زشت‌وسبک سخن نمی‌گفتند، محبت دیگران هر چند کم در نظرشان بزرگ بود و چیزی از آن را نکوهش نمی‌کردند، چیزی آن حضرت^(ص) را عصبانی نمی‌کرد و از کوره به‌در نمی‌ژُرد ... این اوصاف به‌خوبی جامعه را با سیره و سلوک نبوی^(ص) آشنا کرد و مانع از تحریف سنت پیامبر^(ص) شد.



احمد چهارده‌ساله روزه‌حرم می‌ایستد و می‌گوید: «امام رضا شما واسطه ما برای زیارت پدر بزرگ در مدینه شو، ناگهان جمع دوستانه‌ای که با هم در اطراف نماد سبز نبوی ایستاده بودیم صلوات بلندی نثار پیامبر کرده و همه آرزو می‌کنیم ربیع‌الاول زندگی‌مان بهار زیبایی زیارت پیامبر اکرم در مدینه منوره در آینده نزدیک باشد و آنچه که در پایان به‌ذهنم خطور کرد این بیت حافظ بود: بعد منزل نبود در سفر روحانی.

سید مسعود طاهری، با نگاهی دقیق و با منابعی معتبر قصد دارد تا شما را با زندگی چهارده معصوم آشنا کند. در این کتاب با چهارده معصوم آشنا می‌شویم. چهارده معصوم لقبی است که برای حضرت محمد^(ص)، حضرت فاطمه^(ص) و دوازده امام شیعیان استفاده می‌شود. این عنوان برگرفته از پاکدامنی این چهارده تن است. از نظر شیعیان چهارده معصوم^(ع) از تمام گناهان، چه کبیره و چه صغیره و از هر گونه سهو و خطا معصوم هستند. پیامبر عظیم‌الشان ضمن رسالت، به مدت ۱۰ سال رهبری و زمام‌داری مسلمانان پس از مهاجرت به مدینه طیبه را بر عهده داشت. این اثر

سیری در زندگی پیامبر(ص) وائمه اطهار(ع)

